



منتخب جهان از دل همین تفکر و همین پروژه بیرون آمده بود. روزی که دعوتنامه باشگاه کاسموس آمریکا به دست آندرانیک و ایرج رسید آنها دنیای دیگری داشتند. کاسموس در دعوتنامه تلگرافی اش به فدراسیون فوتبال ایران از دانایی فرد و اسکندریان خواسته بود که خود را به مسابقه موسوم به بزرگداشت پله برسانند. عین دعوتنامه از این قرار بود:

به یادبود اولین سال کناره‌گیری پله، فدراسیون فوتبال ایالات متحده و لیگ شمال کشور به باشگاه کاسموس اجازه داده‌اند که در روز سی اوت مراسمی برگزار سازد. اوج این مراسم مسابقه‌ای ست که بین کاسموس و منتخبی از ستارگان جام جهانی ۱۹۷۸ برگزار می‌شود. قسمتی از درآمد این مراسم به یونیسپف اهدا می‌شود تا برای سال ۱۹۷۹ که به عنوان سال کودک اعلام شده به طریق لازم هزینه شود. بدینوسیله تحت مقررات فیفا از شما تقاضا می‌شود که به دو بازیگر مورد تقاضای ما - اسکندریان و دانایی فرد - اجازه دهید تا در این مراسم تاریخی سهمی داشته باشند. ما در حال حاضر به بازیگران برگزیده و باشگاه‌هایشان تلگراف زده‌ایم و منتظر جواب آنان هستیم. روز ۲۸ اوت روز ورود بازیگران است و سه روز بعد روز خاتمه کار می‌باشد. لطفاً در اسرع وقت ما را از تصمیم خود مطلع سازید. متشکریم. ایرج و آندرانیک به محض دریافت تلگرام، خود را با شادی و شغف تمام به باشگاه تاج (استقلال) رسانند تا مقدمات سفر خود را فراهم سازند. ایرج به خبرنگاران ذوق‌زده‌ای که از احساس او در قبال این دعوت می‌پرسیدند گفت: باید با بهترین فرم بدنی به آمریکا رفت. امیدوارم نماینده شایسته‌ای برای فوتبالیست‌های ایران باشیم. آندرانیک نیز در پاسخ خبرنگاران گفت: از فردا می‌گذارم پشت تمرین و خودم را طوری می‌سازم که حتی اگر در نیویورک چند دقیقه هم بازی به من رسید می‌کوشم تا قدر آن را بدانم. این افتخار در حقیقت برای تمام فوتبالیست‌های ایرانی است. اینکه ما را به حساب آورده‌اند و در جمع بهترین‌های دنیا انتخاب کرده‌اند نمایانگر توجه به بازیکنان ایرانی است. اگر به جای من کس دیگری هم انتخاب می‌شد باور کنید همین قدر خوشحال می‌شدم.

آندرانیک و ایرج بعد از حضور در این دیدار تشریفاتی، با کلپ‌های آمریکایی قرارداد بستند و در آن کشور اقامت گزیدند. آندرانیک بعد از خداحافظی از چمن‌ها مدرسه فوتبال باز کرد و به تربیت جسمانی و تکنیکی نسلی نوریسیده از پانکی‌ها پرداخت. بعدها حتی پسرش آلکور را نیز برای فوتبال تربیت کرد و دیگر یکجوری سرش شلوغ شد که هرگز او را در ایران ندیدیم اما ایرج بعد از چندین دهه اقامت در آمریکا ناگهان دلش هوای ایران را کرد و در حالی که دخترانش از آب و گل درآمده بودند به ایران برگشت. در آن سال‌ها خیلی‌ها از پایبندی ایرج به فرهنگ شرقی سخن می‌گفتند که آمده تا دختران نازگلش را در سنین نوجوانی با فرهنگ اصیل سرزمین مادری بزرگ کند. و در چنین شرایطی بود که خیلی‌ها او را مجاب کردند که برای گرفتن حق پدرش که از بنیانگذاران تیم دوچرخه‌سواران (نام اولیه باشگاه استقلال) بود و تمام زندگی اش را وقف تیم آبی‌ها کرده بود اقدامات حقوقی انجام دهد اما ایرج شرم‌روتر از این حرف‌ها بود. او مدتی مغازه طلافروشی باز کرد و وقتی دید که شرم حضورش قابل رسوخ در فوتبال پیچیده و اخلاق‌گریز این مملکت نیست عطای مربیگری را هم به لقاییش بخشید و دوباره به جلد انزواپس پناه برد. انزواپس که گاه با رفت و آمد به ینگه دنیا عطر و بوی دیگری می‌گرفت و گاه منجر به تنهایی وسیع این پسر محبوب در تهران درندشت می‌شد.

هیچ وقت با این پدر و پسر خوب تا نکرد. مردی که ابتدا در بنیان افکنی کلپ دوچرخه‌سواران (که بعدها به تاج تغییر نام یافت) دست داشت و سپس تا سال‌های سال مربی تیم‌های بزرگسال و پایه این باشگاه بود. آنها در اصل باید نورچشم خوش تکنیک این پدر زحمتکش را از همان خردسالی جذب می‌کردند و دیگر ره‌ایش نمی‌کردند. آن روزها که پسرک نیم‌وجبی برای اولین بار در تیم خردسالان ستاره‌های آبی، در هیبت یک ستاره نوظهور ظاهر شد.

### نیم‌وجبی در منتخب جهان

دعوت کاسموس از ستاره‌های سراسر جهان، نخستین حضور بچه‌های ما در سطح اول فوتبال نمایشی دنیا بود که دوربین‌های سراسر جهان را با آس‌های ما آشنا می‌کرد. دانایی فرد و اسکندریان چند ماهی بود که از جام جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین بازگشته بودند و حالا دیگر رزومه‌ای برای خود نگاشته بودند. مخصوصاً ایرج که با به ثمر رساندن نخستین گل تاریخ فوتبال ایران در جام جهانی نام خود را در میان گلزنان این جام جای داده بود. البته آندرانیک نیز با وجود داشتن استایلی دلپذیر و خصیصه جنگندگی و بیمه کردن بک چپ تیم ملی در نیمه اول دهه پنجاه، توانسته بود در جام جهانی نمایشی در خور ارائه دهد و در اهدای پنالتی‌های پرشمار خط دفاعی ایران به حریفان، بی‌تقصیر نبود اما به هر حال در میان ستاره‌های تیم ملی ایران قرعه به نام او افتاده بود و آندرانیک هم بدش نمی‌آمد که با این بهانه، برای ادامه تحصیل و فوتبال به آمریکا برود و شانس خود را امتحان کند. آن روزها کاسموس نخستین باشگاه آمریکایی بود که با جذب دو ابرستاره فوتبال جهان سلطان پله و کیصر بکن بائر به فکر افتاده بود که فوتبال عقب‌مانده از قافله جهانی ایالات متحده را با نمایش‌های تبلیغاتی خود تکان داده و با توجه به جذابیت فوتبال در میان جوانان غرب، خود را به صف توسعه‌یافته‌های فوتبال جهان برساند که این پروژه طی چهل سال بعدی هم چندان موفقیتی نیافت. برگزاری مسابقه خیره با تیم

10



ست. بالاخره تاجی‌ها او را از چنگ پرسپولیس درآوردند و اتفاقاً در دربی اردیبهشت ۱۳۵۶ چنان آتشی در میدان سوزاند که حد نداشت. احمد عبداللهی نیا رفیق فابریک و بچه‌محل قدیمی او که حالا کاریکاتوریست معروفی شده بود در کاریکاتوری که در تاریخ ۱۴ خرداد همان سال در کیهان ورزشی برای ایرج کشید او را در حال دریافت تلویزیون و اتومبیل و پول‌های اهدایی هواداران کشید و زیرش نوشت: طرفداران تاج بعد از بازی ایرج در دربی، هدایای زیادی به او دادند. دانایی فرد در این سال‌ها به اوج بلوغ تکنیکی رسیده بود و دفاع‌های حریف برای مبارزه با او علناً سلاخی‌اش می‌کردند. چنین شد که نشریات وقت اسمش را آقای آسیب گذاشتند چون همه‌اش یکی از دست و پاهایش وبال گردنش بود. اوج درخشش تاریخی ایرج در روز چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۵۷ بود که با پیراهن تیم ملی در مقابل اسکاتلند، اولین گل تاریخ جام جهانی را برای ایران زد و نامش در لیست رکوردداران فوتبالفارس جاودانه شد. چند ماه بعد که سلطان پله تصمیم گرفت در ۳۷ سالگی با عالم فوتبال وداع کند باشگاه کاسموس آمریکا تصمیم گرفت برای تجلیل از او بازی دوستانه‌ای با تیم منتخب جهان برگزار کند و هنگامی که نام ایرج و آندرانیک در لیست منتخب دنیا منتشر شد بمبی در رسانه‌های ایران ترکید. بمبی که علناً این دعوت را نشانه توسعه‌یافتگی و جهانی شدن فوتبال ایران برمی‌شمرد. ایرج پیراهن لاچورد منتخب جهان را در نیویورک پوشید اما نشریه تاج ورزشی که ارگان داخلی باشگاه آبی‌های پایتخت بود در شماره ۵ شنبه ۱۱ آبان ماه‌اش به سفر بدون مجوز او چنین تیکه انداخت که: روشن، اسکندریان و دانایی فرد اینجا در عین تنگدستی تاج با دیدن پول‌های بیشتر چنان هوایی شدند که هیچ چیز حتی عرق باشگاهی نیز جلودارشان نبود. تاج خلوص نیت به خرج داد و دو بازیکن ملی‌پوش خود را به نیویورک فرستاد تا یک بازی در تیم کاسموس انجام دهند و بازگردند اما دانایی فرد با وجود قرارداد و تعهدی که در قبال وسایل رفاهی که تاج در اختیارش قرار داده بود حتی زحمت مراجعه به ایران و گرفتن رضایتنامه را به خودش نداد و آمریکانشین شد. باشگاه تاج که همه چیزش را مدیون پدر ایرج بود

به فدراسیون فوتبال رسید که نامبرده به دلیل اینکه در یکی از نهادهای نظامی شاغل است حق حضور در هیچ تیم غیرنظامی را ندارد و حضور او در کلپ پرسپولیس غیرقانونی است. بدینوسیله رضایتنامه او فقط برای حضور در باشگاه پاس صادر می‌شود. دنیای ورزش بهمن ۱۳۵۳ نوشته که دانایی فرد، مصطفی عرب و باباخانو به دلیل شاغل بودن در نیروی هوایی اجازه بازی در تیم‌های شخصی را ندارند و سر از تیم نظامی پاس درآوردند. حالا حال پرسپولیس‌ها دیدن داشت که می‌خواستند در تیم‌شان جوانگرایی کنند و به این شاه‌ماهی فصل نقل و انتقالات بیشتر از آب و دود نیازمند بودند. علی عبده هر دری را کوبید توانست علیه آن حکم قضایی اقدام کند. در

ایرج نیم‌وجبی متولد ۲۶ اسفند ۱۳۲۹ فرزند خلف علی آقا بود. چپ پای با دریل‌های ریز و عجیب جنگنده و سمج. با ۱۶۸ سانت قد و ۶۳ کیلو وزن روی سر نردبام‌ها کله می‌زد. در ۸ سالگی تابلو بود که ژن فوتبالی از پدر به ارث برده است. هشت ساله‌ای که اولین بار در بازی تیم خردسالان تاج در امجدیه در میان بچه‌های کنده باقالی هت تریک کرد و اهالی امجدیه فهمیدند که چه فلفلی ست.

پایان این موشدوانی‌ها و در آخرین لحظات فصل نقل و انتقالات، ایرج در حالی که با پرسپولیس قرارداد داشت سر از پاس درآورد و قرمزها مغبون شدند. البته این تنها دود پاشیدن قرمزها برای این ستاره نبود. او دو سال بعد یک بار دیگر در پایان جام چهارم (۱۳۵۵) با پرسپولیس به توافق رسید و در ازای ۸۰ هزار تومان پیش‌پرداخت که مبلغ حلقوم‌گیری به حساب می‌آمد قراردادش را ثبت کرد. این بار می‌گفتند همه چیز دیگر تمام است و مولای درزش نمی‌رود چرا که تاریخ‌مصرف قانون عجیب و غریب عدم اشتغال نظامیان در تیم‌های خصوصی لیگ از سوی مقامات فوتبال لغو شده و خیال دوطرف راحت بود. کیهان ورزشی به تاریخ دوم بهمن ۱۳۵۵ درباره او نوشت: دانایی فرد در پایان دومین دوره جام تخت‌جمشید و هنگامی که بیرون رفتن عقاب از جام حتمی شد با پرسپولیس یک قرارداد دوساله امضا کرد و حتی چندماهه هم از باشگاه پرسپولیس حقوق گرفت (به شهادت بانکی که کارهای بانکی پرسپولیس را در اختیار دارد) ولی وقتی اطلاعیه دادند که یک فوتبالباز نظامی حق بازی در تیم غیرنظامی را ندارد تیم پرسپولیس به نفع پاس کنار رفت و دانایی فرد سر از جمع سبزپوشان درآورد. حالا باز پس از دو سال، این بازیکن سر از پرسپولیس درآورده و با پیش‌قرارداد ۸۰ هزار تومنی به تیم سرخ‌ها پیوسته است. اما این بار نیز در آخرین ساعات فصل نقل و انتقالات، مسئولان پاس تویی در کردند که صدایش تا دورورها هم رسید. آنها اعلام کردند که رضایتنامه ایرج را در صورتی صادر می‌کنند که بخواهد در تاج توپ بزند. کیهان ورزشی شماره ۱۱۸۰ درباره این شرط عجیب و غریب مسئولان باشگاه پاس فقط یک جمله نوشت: خدا فقط به داد این فوتبال برسد! ایرج در جام چهارم ستاره پاس بود و با این تیم به قهرمانی لیگ رسید اما در حالی که همه در جشن قهرمانی این تیم آتش می‌سوزاندند او حتی در این ضیافت هم غیبت کرد و نشان داد که رفتنش از این تیم در فصل بعد حتمی

